



ستایش

ای نام نکوی تو سردفتر دیوان‌ها / وی طلعت روی تو زینت ده عنوان‌ها (مستوره کردستانی)

قلمرو زبانی: دفتر: کتاب، مجموع. شعر و نوشته، دیوان / **سردفتر:** سرآغاز / **طلعت:** طلوع / **زینت:** زیور / **عنوان:** سرآغاز / **قلمرو ادبی:** قالب:

مثنوی / وزن مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن (رشته انسانی) / **طلعت روی:** اضافه استعاری / **واج‌آرایی** «ن» /

جناس: ای، وی / **قافیه:** دیوان‌ها، عنوان‌ها / **واژه‌آرایی:** تو

بازگردانی: ای کسی که نامت آغاز همه دیوان‌های شعر است و ای خدایی که زیبایی چهره ات آرایش دهنده همه

عنوانهاست.

پیام: آغاز کارها با نام خدا

۱- به نام خداوند جان‌آفرین / حکیم سخن در زبان آفرین

قلمرو زبانی: جان‌آفرین: آفریننده جان / **حکیم:** دانا، خردمند / **زبان‌آفرین:** آفریننده زبان / **قلمرو ادبی:** قالب: مثنوی

/ **وزن:** فعولن فعولن فعولن فعل (رشته انسانی) / **واج‌آرایی** «ن» / **تناسب:** سخن، زبان / **واژه‌آرایی:** آفرین / **قافیه:**

جان، زبان.

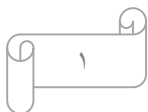
بازگردانی: به نام خداوندی که جان را آفرید. خداوندی که به بشر سخن گفتن را آموخت.

پیام: آغاز کارها با نام خدا

۲- خداوند بخشنده دستگیر / کریم خطابش پوش‌پذیر

قلمرو زبانی: **بخشنده:** دادودش کننده / **دستگیر:** کسی که دست را می‌گیرد / **کریم:** جوانمرد، بزرگوار / **خطابش:** درگذرنده از خطا، بخشاینده،

آمرزگار / **پوش‌پذیر:** عذرپذیر، پذیرنده پوش / **قلمرو ادبی:** **دستگیر:** کنایه از یاریگر، مددکار / **واج‌آرایی:** « = »





بازگردانی: خداوند بخشنده و یاری رسان که بزرگوار و آمرزگار و عذرپذیر است.

پیام: یادکرد صفات ایزدی

۳- پرستار امرش همه چیز و کس / بنی آدم و مرغ و مور و مگس

بازگردانی: همه چیز و همه کس خدمتکار فرمان خداوندند. چه بشر چه پرندۀ چه مور چه زنبور.

پیام: فرمانبرداری از خدا

۴- یکی را به سر برنهد تاج بخت / یکی را به خاک اندر آرد ز تخت

قلمرو زبانی: برنهد: می‌گذارد (بن ماضی: برنهاد؛ بن مضارع: برنه) / **بخت:** بهره، قسمت، اقبال / **اندر:** در / **آرد:** آورد / **تخت:** این جا به معنای تخت شاهی / **قلمرو ادبی:** **تاج بخت:** اضافه تشبیهی / **تاج بخت بر سر نهادن:** کنایه از خوشبخت کردن و به پادشاهی رساندن / **از تخت به خاک درآوردن:** کنایه از اینکه از خوشبختی و پادشاهی به خواری کشاندن / **واج آرایی:** «ر» / **واژه آرای:** یکی / **جناس:** بخت، تخت / **بخت:** مجاز از خوشبختی / **تضاد:** به سر برنهد تاج بخت، به خاک اندر آرد ز تخت

بازگردانی: یکی را خوشبخت می‌کند و دیگری را خوار و بدبخت.

پیام: همه کارها به دست اوست.

۵- گلستان کند آتشی بر خلیل / گروهی بر آتش برد ز آب نیل

قلمرو زبانی: **گلستان:** گلزار / **خلیل:** دوست؛ لقب حضرت ابراهیم / **بردن:** (بن ماضی: بُرد؛ بن مضارع: بَر) / **قلمرو ادبی:** **آتش را گلستان کند:** تشبیه / **واژه آرای:** آتش / **جناس:** بر، برد / **اشاره:** به داستان حضرت ابراهیم و موسا / **گروهی از آب نیل بر آتش برد:** تشبیه پنهان / **گلستان کردن:** کنایه از به جای خوشی تبدیل کردن / **بر آتش بردن:** کنایه از نابود کردن / **تضاد:** آتش، آب

بازگردانی: آتش را برای حضرت ابراهیم سرد می‌کند و آب نیل را سبب نابودی گروهی می‌گرداند.

پیام: خوشبختی و بدبختی به دست اوست.

۶- به درگاه لطف و بزرگیش بر / بزرگان نهاده بزرگی ز سر

قلمرو زبانی: **درگاه:** بارگاه / **لطف:** مهربانی / **به درگاه لطف و بزرگیش بر:** دو حرف اضافه برای یک متمم / **نهادن:** گذاشتن (بن ماضی: نهاد؛ بن مضارع: نه) / **قلمرو ادبی:** **درگاه لطف و بزرگی:** تشبیه / **جناس:** بر، سر / **بزرگی از سر نهادن:** کنایه از احساس کوچکی کردن و بزرگی را کنار نهادن / **واج آرای:** «ب»، «ر» / **واژه آرای:** بزرگی



بازگردانی: در برابر مهر و بزرگی خداوند همگان احساس کوچکی می‌کنند.

پیام: شکوه خدا

۷- جهان متفق بر الهیتش / فرومانده از کنه ماهیتش

قلمرو زبانی: متفق: هم‌فکر، هم‌رای، هم‌داستان / الهیت: خداوندی / فرومانده: درمانده، سرگشته شده / کنه: ذات / ماهیت: چیستی / قلمرو ادبی:

جهان: مجاز از مردم جهان

بازگردانی: مردم جهان بر خداوندی خدا همداستان و هم نظرند. مردم از شناخت ذات او درمانده اند.

پیام: ناتوانی در شناخت خدا

۸- بشر ماورای جلالش نیافت / بصر منتهای جمالش نیافت

قلمرو زبانی: بشر: انسان / ماورا: فراسو / جلال: بزرگی و شکوه / یافتن: پیدا کردن (بن ماضی: یافت؛ بن مضارع: یاب) / بصر: بینایی / منتهای:

پایان / جمال: زیبایی / قلمرو ادبی: نیافت: ردیف / موازنه (انسانی)

بازگردانی: انسان، چیزی را برتر از شکوه خداوند نمی‌یابد. چشم بشر نمی‌تواند پایان زیبایی خداوند را ببیند.

پیام: بی‌کرانگی صفات خداوند

۹- تأمل در آئینه دل کنی / صفایی به‌تدریج حاصل کنی

قلمرو زبانی: تأمل: درنگ، اندیشیدن / دل: قلب / صفا: پاکی / آئینه دل: اضافه تشبیهی / کنی: ردیف / دل: مجاز از عرفان و جان

بازگردانی: اگر در آئینه دلت درنگ کنی و به جانت بیندیشی کم‌کم به پاکدلی دست می‌یابی.

پیام: تکاپو برای رسیدن به پاکدلی

۱۰- محال است سعدی که راه صفا / توان رفت جز بر پی مصطفی

قلمرو زبانی: محال: ناشدنی / صفا: پاکی / پی: دنبال / توان رفت: بتوان رفت / مصطفی: برگزیده، لقب پیامبر / قلمرو ادبی: راه صفا: اضافه تشبیهی

بازگردانی: ناشدنی است که راه پاکی را به جز از راه پیامبر پیمود.

پیام: پیروی پیامبر

(بوستان، سعدی)